

## بررسی معنی‌شناسی شناختی واژه‌های «قضا» و «قدر» در قرآن

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا<sup>۱</sup>

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

مسعود عزیزی<sup>۲</sup>

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

### چکیده

قضا و قدر یا موضوع سرنوشت همواره مورد توجه انسان بوده‌است و آثار باقیمانده از روزگاران کهن نشان می‌دهد که فلاسفه، فقها، عارفان، شاعران به این نکته توجه ویژه داشته‌اند. در روزگار معاصر علومى مانند: جامعه‌شناسی، حقوق، اخلاق، روان-شناسی، انسان‌شناسی و بیولوژی نیز بدان توجه دارند. از این رو، مطالعه واژه‌های قضا و قدر از منظر زبان‌شناسی به ویژه معنی‌شناسی شناختی ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله پس از ارائه معانی لغوی واژه‌های قضا و قدر، آیات مشتمل بر واژه‌های قضا و قدر از منظر معنی‌شناسی شناختی و در چارچوب نظریه‌ی طرح‌واره‌های تصویری جانسون (۱۹۸۰) تحلیل شده‌است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از میان طرح‌واره‌های تصویری حجمی، حرکتی و قدرتی، کاربرد طرح‌واره‌های قدرتی در آیات مشتمل بر واژه‌های قضا و قدر از بسامد بالاتری برخوردار است. کلیدواژه‌ها: قرآن مجید، قضا، قدر، معنی‌شناسی شناختی، طرح‌واره تصویری.

### ۱. مقدمه

در دیدگاه زبان‌شناسی شناختی معاصر، استعاره ماهیت و عملکردی متفاوت از دیدگاه‌های نظریه‌پردازان علمای بلاغت در سده‌های گذشته دارد. به اعتقاد این گروه از زبان‌شناسان، استعاره<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> E-mail: [akord@modares.ac.ir](mailto:akord@modares.ac.ir)

<sup>۲</sup> E-mail: [masoudazizi\\_68@yahoo.com](mailto:masoudazizi_68@yahoo.com)

<sup>۳</sup> metaphor

تنها یک صنعت ادبی صرف جهت برجسته نمودن کلام و بیان شاعرانه نبوده و در حقیقت مجموعه-ای از فرایندهای ذهنی و زبانی است که با توجه به ساختار استعاری نظام اندیشه انسان که بر ایجاد رابطه شباهت و انطباق استعاری میان پدیده‌های مختلف در جهان خارج استوار است، جهت شناخت مفاهیم انتزاعی و ذهنی بکار می‌رود (کوچش، ۲۰۱۰). بنابراین انطباق‌های ذهنی در زبان را می‌توان یکی از ویژگی‌های ذهن در نظر گرفت که در سطوح معینی از انتزاع از طریق مکانیسم-هایی توصیف می‌شود که ما فرض می‌کنیم وجود دارند (جانسون و ارنلینگ، ۱۹۹۷: ۱۱۸). بر این اساس نگرش انسان به جهان پیرامون خود عمدتاً نگرشی استعاری به حساب می‌آید و این امر گویای این حقیقت است که نظام ادراک انسان، ماهیتی استعاری دارد و بسیاری از رفتارهای روزمره وی ناشی از نگرش استعاری او به جهان پیرامون است. تحقیقات در معناشناسی شناختی در واقع تحقیق و بررسی درباره سازمان و محتوای مفهومی در زبان است (تالمی، ۲۰۰۰). زبان‌شناسان شناختی معاصر از جمله لیکاف و جانسون بر اساس چنین توصیفی از عملکرد استعاری اندیشه انسان‌ها، *نظریه استعاره‌های مفهومی*<sup>۱</sup> را مطرح نمودند. به اعتقاد آنها جایگاه استعاری به کلی در زبان نیست؛ بلکه خاستگاه آنرا باید در چگونگی مفهوم‌سازی<sup>۲</sup> یک قلمرو ذهنی بر حسب قلمرو ذهنی دیگر یافت.

*طرح‌واره‌های تصویری*<sup>۳</sup> که مارک جانسون با توجه به آراء و نظریات هم‌تایان خود به‌ویژه لیکاف آن را مطرح نمود ریشه در نظریه استعاره‌های مفهومی دارد و متشکل از سه طرح‌واره‌ی حرکتی<sup>۴</sup>، حجمی<sup>۵</sup> و قدرتی<sup>۶</sup> است. به اعتقاد جانسون، تجربیات فردی که انسان‌ها به هنگام عملکرد و فعالیت‌های خاص خود در مواجهه با موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره کسب می‌کنند و شامل همه تجربه‌های دریافتی - حسی است که گاهی به آن تجربه حسی<sup>۷</sup> نیز گفته می‌شود، به صورت یک سلسله ساخت‌های مفهومی در ذهن آنها اندوخته شده که انسان‌ها این دسته از تجربیات را در هنگام

<sup>1</sup> Conceptual Metaphor Theory (CMT)

<sup>2</sup> conceptualization

<sup>3</sup> image schemas

<sup>4</sup> path schema

<sup>5</sup> containment schema

<sup>6</sup> force schema

<sup>7</sup> sensory experience

اندیشیدن به مفاهیم انتزاعی و درک درست از ماهیت آنها از طریق انطباق<sup>۱</sup> استعاری صورت‌های ذهنی با پدیده‌های فیزیکی و عینی که ماهیتی قابل ادراک دارند به کار می‌برند. چنین عملکردی در نظام اندیشه انسان‌ها امکان ارتباط میان تجربیات فیزیکی را با حوزه‌های شناختی پیچیده‌تری همچون زبان فراهم می‌کند (صفوی، ۱۳۸۲: ۳۷۳).

در قرآن بسیاری از مفاهیم انتزاعی در قالب مجموعه‌ای از مفاهیم عینی بر پایه طرح‌واره‌های تصویری نمود یافته‌است. چنین عملکردی، امکان درک پدیده‌های انتزاعی آموزه‌های قرآنی را از طریق انطباق استعاری پدیده‌های فیزیکی که ماهیتی قابل ادراک دارند فراهم می‌سازد. نگارنده در این مقاله در پی یافتن پاسخ این پرسش است که: کاربرد کدامیک از انواع طرح‌واره‌های تصویری (حجمی، حرکتی و قدرتی) در واژه‌های قضا و قدر در آیات کلام الله مجید بیشتر است؟ بر این اساس آن دسته از آیات قرآن کریم که شامل واژه‌های قضا و قدر هستند منطبق با الگوهای استعاری مطرح از سوی زبان‌شناس شناختی، مارک جانسون در قالب طرح‌واره‌های تصویری ارزیابی می‌گردند.

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در رابطه با مفاهیم قضا و قدر در فلسفه، فقه، تعالیم اسلامی و ادبیات صورت گرفته است که پژوهشگران ابعاد گوناگون این واژه‌ها را به لحاظ دینی، اخلاقی، فلسفی، ادبی و اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند. از جمله می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد.

نیکویخت (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دیدگاه مولوی در کشف راز قضا و قدر» بیان داشته که مولانا جلال الدین محمد بلخی از بزرگ‌ترین مفاخر ادب فارسی و از اندیشمندان بنام اسلامی در قرن هفتم است. مثنوی معنوی وی گنجینه‌ای عظیم از معارف والای بشری و متضمن پاره‌ای از علوم اسلامی است. قضا و قدر از جمله مباحث جدال‌برانگیز کلام اسلامی است که مولوی با دقت تمام در ادبیات پراکنده‌ای از دفاتر شش‌گانه مثنوی بدان پرداخته است. این پژوهش در بردارنده مقدمه‌ای در پیشینه موضوع، تعریف قضا و قدر در مثنوی، انواع قضا و قدر، پاسخگویی مولوی به شبهات حاصل از اعتقاد به قضا و قدر و ... است.

<sup>۱</sup> mapping

کرمی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «تقدیر و سرنوشت در ادبیات فارسی و تأثیر آن بر فرهنگ مردم ایران» بیان داشته که اگر برای نمونه یکصد نفر از مردم جامعه را با خاستگاه‌ها، شغل‌ها و تحصیلات متفاوت انتخاب کنیم و از آنها در مورد تقدیر پرسش نماییم هر کدام پاسخ متفاوتی خواهند داد. اما نتیجه همه پاسخ‌ها این است که کارهای خارج از اراده و یا برخلاف میل آنها تقدیر خوانده می‌شود. آیا بیشتر اموری که به تقدیر نسبت می‌دهیم نوعی بهانه‌تراشی و مسولیت‌گریزی نیست؟ نویسنده ابتدا آمار واژه‌های «قدر» در قرآن را ارائه نموده و ضمن بیان نمونه آیتی که حاکی از سلطه تقدیر بر جهان است متقابلاً به بیان آیتی که بر اراده و کوشش انسان ارجح می‌نهد پرداخته است و پس از تعریف لغوی و اصطلاحی تقدیر به نقش اسباب در انجام امور پرداخته و نشان داده است که بسیاری از امور منتسب به تقدیر و قضا قدر به دلیل نداشتن تعریف صحیح از تقدیر، نشناختن روابط حاکم بر جهان و نشناختن یا استفاده ناصحیح از اسباب است. سپس نقش ادبیات در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفته است.

فضائلی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی» به بررسی ضرب‌المثل‌های زبان فارسی که در آنها مشکل و نوع برخورد با آنها مطرح شده در چارچوب طرح‌واره‌های قدرتی پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌ها، در ضرب‌المثل‌های بررسی شده طرح‌واره‌های قدرتی سه امکان دارند: وجود مشکل به مثابه یک سد که نمی‌توان آن را از سر راه برداشت. در این گونه ضرب‌المثل‌ها راهکار یا توصیه‌ای برای حل مشکل وجود ندارد. دومین امکان این است که مشکل را می‌توان از طریق ارائه راهکاری پیشنهادی برطرف کرد. وجود مشکل به عنوان یک سد که می‌توان آن را پشت سر گذاشت، سومین امکان است. بررسی آماری این پژوهش نشان می‌دهد که امکانات دوم و سوم به ترتیب بیشترین و کمترین میزان بسامد را در ضرب‌المثل‌های بررسی شده داشته‌اند. غالب ضرب‌المثل‌های بررسی شده گویای این هستند که قوم ایرانی، روحیه‌ای قوی و بالا در برابر مشکلات دارد.

خسروی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی واژگان قرآن» که در فصل‌نامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های ادبی-قرآنی» به چاپ رسانده‌اند به بررسی کاربرد طرح‌واره‌های تصویری (شامل حجمی، حرکتی و قدرتی) در قرآن کریم پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که خداوند با به تصویر کشیدن مفاهیم، منظور خود را به بشر منتقل کرده

است تا انسان‌ها در دریافت مفاهیم دچار مشکل نشوند.

مقیاسی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج البلاغه» به این موضوع پرداخته است که کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه در راستای آموزه‌های معرفتی و نیز اعجاز بیانی منحصر بفرد قرآن است. از اینرو اغلب استعاره‌های بکار رفته در کلام ایشان با الهام از قرآن و به منظور تفهیم پدیده‌های انتزاعی در قالب تصاویر حسی است که حضرت (ع) با الگوگیری از ساخت‌های استعاری آیات از طریق انطباق استعاری پدیده‌های قابل ادراک از یک حوزه مفهومی برای شناخت حوزه مفهومی دیگر بهره می‌بردند: به گونه‌ای که شیوه بیان ایشان در طرح مفاهیم، تداعی‌کننده سبک بیانی قرآن است. در این پژوهش آن دسته از ساختارهای استعاری نهج البلاغه که منطبق با الگوهای استعاری مطرح از سوی زبان‌شناس شناختی، مارک جانسون است، در قالب سه طرح‌واره حرکتی، حجمی، قدرتی ارزیابی شده‌اند. نگارنده به آن دسته از طرح‌واره‌های تصویری در نهج البلاغه پرداخته که ماهیت آنها برگرفته از استعاره‌های مفهومی قرآن کریم است. نتایج نشانگر این است کارکرد استعاره‌های قرآنی در قالب طرح‌واره حرکتی از بسامد بالاتری نسبت به سایر طرح‌واره‌ها در نهج البلاغه برخوردار است.

### ۳. تعاریف واژه‌های قضا و قدر

در زبان عربی، «تقدیر» از ریشه «قدر» است. قدر به معنای اندازه و کمیت چیزی و تقدیر به معنای اندازه‌گیری و کمیت سنجی آن است. تقدیر در فارسی به معنای ارزش‌گذاری است. این واژه در انگلیسی و فرانسه به صورت appreciation و به معنای حکم کردن در مورد قیمت و ارزش چیزی است. در کتاب لسان العرب، قدر و مقدار هر چیزی، به معنای مقیاس آن بیان شده است. در کتاب مفردات راغب، قدر و تقدیر، به معنای «تیین کمیت چیزی» دانسته شده است. راغب معتقد است، تقدیر خداوند به دو صورت انجام می‌پذیرد: ۱- قدرت دادن به چیزی و ۲- قرار دادن چیزی به مقدار و گونه ویژه‌ای که حکمت خداوند مقتضی آن است.

واژه «قضا» به معنای فیصله دادن، گذراندن، حتمیت، قاطعیت، به پایان رساندن و یکسره کردن داوری می‌آید. به کسی که میان دو نفر که درباره مسئله‌ای با هم نزاع دارند، داوری می‌کند، قاضی می‌گویند؛ زیرا با حکم خود، نزاع میان آن دو را فیصله می‌دهد. کلمه «قضا» در نظام آفرینش به

معنای حتمی شدن تحقق یک موجود بر اساس تحقق علت و شرایط پدید آورنده آن است. از باب مثال، اگر کسی برای رسیدن به خانه‌اش چند راه را در پیش داشته باشد، و ورود به آن خانه از چند راه ممکن باشد، حال اگر از میان چند راه ممکن، علل و اسباب پیدایش یکی از آن‌ها فراهم شد و تنها همان یکی تحقق یافت، این مرحله از تحقق را «قضا» می‌نامند.

### ۳-۱. معانی واژه «قضا» در قاموس قرآن

قضاء در اصل به معنی فیصله دادن به امری است، خواه قولی باشد یا فعلی، از خدا باشد یا از بشر. طبرسی ذیل آیه ۱۱۷ سوره بقره توضیح می‌دهد که قضا و حکم نظیر هم هستند و اصل آن به معنی فیصله دادن و محکم کردن شیء است. قاموس آن را حکم، صنع، حتم و بیان معنی کرده است. این لفظ در قرآن مجید در چندین معنا بکار رفته که هر یک نوعی فیصله دادن و تمام کردن است: ۱- اراده: در سوره بقره، آیه ۱۱۷ و در سوره یس، آیه ۸۲، بجای «قضی»، «اراده» به کار رفته است، ۲- حکم و الزام: در سوره اسراء، آیه ۲۳، «پروردگار تو حکم کرده که جز او را نپرستید»، ۳- اعلام و خبر دادن: در سوره اسراء، آیه ۴، «به بنی اسرائیل در کتاب اعلام کردیم که حتماً دوبار در زمین فساد خواهید کرد»، در سوره حجر، آیه ۶۶، «به لوط (ع) درباره آن موضوع اعلام کردیم»، ۴- تمام کردن: در سوره قصص، آیه ۲۹، «چون موسی مدت را تمام کرد و با اهلش به راه افتاد...»، همچنین در سوره‌های بقره، آیه ۲۰۰ و سوره احزاب، آیه ۳۷ و ۵- فعل: در سوره طه، آیه ۷۲، «بکن هر چه می‌خواهی».

### ۴. چارچوب نظری پژوهش

از نظر معناشناسان شناختی انسان تجربه‌هایی را که از محیط اطراف خود کسب می‌کند در ذهن به صورت مفاهیم انبار می‌کند. این مفاهیم برای برقراری ارتباط با دیگران و از همه مهمتر، برای تفکر مورد استفاده قرار می‌گیرند. شالوده تفکر معناشناسان شناختی این واقعیت است که دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است. یکی از ابزارهایی که به کمک آن می‌توان به درک مفاهیم انتزاعی دست یافت استفاده از طرح‌واره‌های تصویری است.

#### ۱-۴. طرح‌واره‌های تصویری<sup>۱</sup>

طرح‌واره‌های تصویری یکی از ساخت‌های مفهومی<sup>۲</sup> مورد توجه معنی‌شناسان شناختی است. اصل مسئله این است که از ما، در این جهان، اعمال و رفتارهایی بروز می‌کند؛ مثلاً حرکت می‌کنیم، می‌خوریم، می‌خوابیم، محیط اطرافمان را درک می‌کنیم و از این طریق، ساخت‌های مفهومی بنیادینی پدید می‌آوریم که برای اندیشیدن دربارهٔ امور انتزاعی‌تر به کار می‌روند. این ساخت‌های مفهومی<sup>۳</sup> همان طرح‌واره‌های تصویری‌اند (صفوی، ۱۳۸۷). این طرح‌واره‌ها جزو اولین مفاهیمی هستند که در ذهن بشر ظاهر می‌شوند، بنابراین می‌توان آنها را پایه‌های نظام مفهومی به شمار آورد (روشن، ۱۳۹۱). مندler (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های تصویری در مراحل اولیهٔ رشد انسان، قبل از شکل‌گیری مفاهیم، و از تجربه‌های حسی او نشأت می‌گیرند.

#### ۱-۱-۴. طرح‌وارهٔ حجمی

یکی از انواع طرح‌واره‌های تصویری که جانسون به بررسی آن پرداخته طرح‌وارهٔ حجمی است. انسان از طریق تجربهٔ قرار گرفتن در اتاق، تخت، خانه، غار و دیگر جاهایی که حکم ظرف پیدا می‌کنند بدن خود را مضرّوفی تلقی می‌کند که می‌تواند در ظرف‌های انتزاعی قرار گیرد (صفوی، ۱۳۸۳). مانند مثال‌های زیر:

(۱) نکات مهم کتاب را بیرون کشیدم.

(۲) آن راز از دهانش بیرون پرید.

(۳) سعی کن خودت را از این گرفتاری بیرون بکشی.

#### ۲-۱-۴. طرح‌وارهٔ حرکتی

یکی دیگر از انواع طرح‌واره‌های تصویری که جانسون به معرفی آن می‌پردازد، طرح‌وارهٔ حرکتی است. به عقیدهٔ جانسون انسان از طریق تجربهٔ حرکت کردن خود و سایر پدیده‌های متحرک، برای پدیده‌های گوناگون، فضایی می‌آفریند که در آن می‌توان حرکت کرد. به این ترتیب، در زبان شاهد

<sup>1</sup> image schemas

<sup>2</sup> conceptual structures

<sup>3</sup> conceptual constructions

تغییراتی هستیم که انگار نمودار مسیر حرکت اند (صفوی، ۱۳۸۲). این طرح‌واره ساختار داخلی پیچیده‌ای دارد یعنی دارای سه جز مبدا، مسیر<sup>۲</sup> و مقصد<sup>۳</sup> است (راسخ‌مهند، ۱۳۹۴). نمونه‌های زیر انواعی از طرح‌واره‌های حرکتی را به ما نشان می‌دهد.

(۴) برای رسیدن به موفقیت باید تلاش کرد.

(۵) تا گرفتن مدرک دکتری هنوز خیلی باید بدوی.

(۶) بالاخره یک روزی می‌رسی به حرف‌هایم.

(۷) دوستی با کامران مسیر زندگی‌م را تغییر داد.

### ۴-۱-۳. طرح‌واره قدرتی

طرح‌واره قدرتی از تجربه تعامل با اشیاء اطراف ناشی می‌شود. جانسون (۱۹۸۷) توضیح می‌دهد که در این نوع طرح‌واره، نگاهت‌های استعاری بر پایه تجربه فیزیکی حرکت و جابه‌جایی به وجود می‌آید، با این تفاوت که در طرح‌واره‌های قدرتی مانع یا سدی در میانه راه قرار دارد که موجب می‌شود عملکرد و نوع رفتار انسان در برخورد با موانع متغیر و متفاوت باشد و بستگی به نوع مانع موجود و میزان نیروی مقاومتی آن، واکنش‌های مختلف و متفاوتی از انسان سر بزند. به عنوان مثال اگر مانعی<sup>۴</sup> در مسیر حرکت انسان قرار گیرد وی ممکن است یکی از حالت‌های زیر را در برخورد با مانع اجرا کند. الف) نیروی مقاومت مانع، از حرکت و پیشروی انسان جلوگیری کند؛ ب) یا اینکه انسان با تغییر مسیر خود، راه دیگری را در پیش بگیرد؛ ج) یا با تمام توان مانع پیش‌رو را بردارد (صفوی، ۱۳۸۲). در ادامه، مثال‌هایی از انواع مختلف برخورد با مانع را مشاهده می‌کنید:

(۸) برای گرفتن جواز ساختمان خوردم به یک مشکل و هیچ کاری نتوانستم بکنم.

(۹) با هر بدبختی بود، کنکور را پشت سر گذاشتم.

(۱۰) هرطور شده باید این مشکل را از سر راهت برداری.

طرح‌واره تصویری قدرتی شامل چندین طرح‌واره تصویری مرتبط است که مجموعاً طرح‌واره

<sup>1</sup> source

<sup>2</sup> path

<sup>3</sup> target

<sup>4</sup> blockage

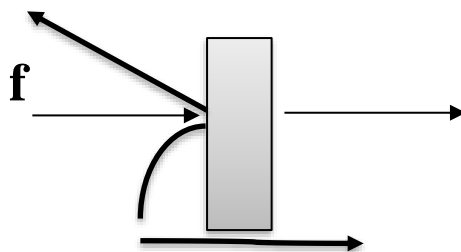


قدرتی را می‌سازند. برخی از این طرح‌واره‌ها عبارت‌اند از:  
 طرح‌وارهٔ تصویری اجبار<sup>۱</sup>: مانند وقتی که شما در میان جمعیتی هستید و جمعیت شما را به هر سو می‌کشد (شکل ۱).



شکل ۱- طرح‌وارهٔ تصویری اجبار

طرح‌وارهٔ تصویری مانع<sup>۲</sup>: نیروی  $f$  در برخورد با مانع به سه حالت ظاهر می‌شود. در حالت اول می‌تواند از مانع گذر کند؛ در حالت دوم به مانع برخورد کرده و راه دیگری در پیش می‌گیرد؛ و در حالت سوم مانع را دور زده و به راه خود ادامه می‌دهد (شکل ۲).



شکل ۲- طرح‌وارهٔ تصویری مانع

طرح‌وارهٔ تصویری توانمندی<sup>۳</sup>: انسان‌ها معمولاً در انجام دادن کنش‌ها به یک آگاهی از حس توانایی و عدم توانایی دست می‌یابند. به عنوان مثال انسان می‌تواند حس توانایی بلند کردن کودک را درک کند و یا توانایی جارو کردن را، ولی در بلند کردن قسمت جلوی ماشین همچین حس ندارد (جانسون، ۱۹۹۰).

طرح‌وارهٔ تصویری حذف مانع<sup>۴</sup>: به مانند حالتی است که وقتی در باز است و ما به راحتی

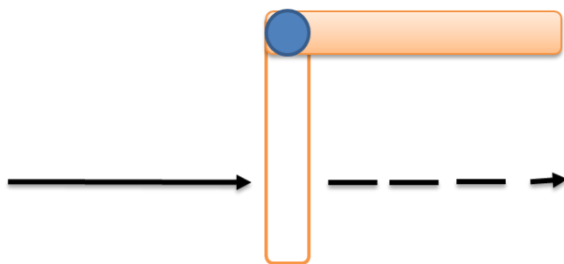
<sup>1</sup> compulsion image schema

<sup>2</sup> blockage image schema

<sup>3</sup> enablement

<sup>4</sup> removal of restraint

می‌توانیم وارد اتاق شویم. حذف مانع و یا غیاب<sup>۱</sup> برخی موانع بالقوه ساخت تجربه‌ای است که انسان روزانه با آن مواجه است. طرح‌وارهٔ مربوطه در واقع راه و مسیر بازی را پیشنهاد می‌کند که اعمال نیرو را ممکن می‌سازد (جانسون، ۱۹۹۰). در شکل ۳ نیروی f منبع حذف و کنار زدن مانع نیست، در عوض، نمودار حذف مانع را نمایش می‌دهد و یا به دلیل اینکه مانع بالقوه‌ای حضور ندارد؛ در واقع، چیزی نیست که مانع نیرو شود.



شکل ۳- طرح‌وارهٔ تصویری حذف مانع

## ۵. روش تحقیق

در تحقیق حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در واژه‌های قضا و قدر در قرآن پرداخته است، ابتدا آیه‌های مورد نظر از قرآن کریم که در آنها یکی از مشتقات واژه‌های قضا و قدر بکار رفته استخراج گردیده تا بسامد هر یک از واژه‌های قضا و قدر معلوم گردند. سپس به روش کتابخانه‌ای معانی مختلف این واژه‌ها را از منابع متعدد از جمله فرهنگ دهخدا و به‌ویژه قاموس قرآن استخراج کرده و به منظور تحلیل داده‌ها نگارنده از منابع قرآنی و تفسیری مختلف از جمله المیزان و نمونه بهره برده است. تحلیل داده‌ها به صورت دسته‌بندی‌هایی ارائه شده است تا مشخص گردد که کارکرد کدامیک از انواع طرح‌واره‌های تصویری مورد نظر جانسون در واژه‌های قضا و قدر موجود در قرآن کریم بیشتر می‌باشد.

<sup>1</sup> absence

## ۶. ارائه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت نگارنده ابتدا بسامد مشتقات واژه‌های قضا و قدر را از آیات کلام الله مجید استخراج کرده، سپس به بررسی برخی از آیات کلام الله مجید که در آنها یکی از مشتقات قضا و قدر بکار رفته، بر اساس الگوی طرح‌واره تصویری جانسون می‌پردازد. نگارنده در جهت تحلیل داده‌ها از تفسیر المیزان و نمونه نیز بهره جسته است. از بررسی آیاتی که در آنها از مشتقات واژه‌های قضا و قدر استفاده شده است دسته‌بندی‌هایی ارائه شده است. به دلیل گستردگی آیات تنها به ذکر چند نمونه از هر دسته بسنده می‌کنیم. در این قسمت همچنین به میزان کارکرد هر یک از طرح‌واره‌ها در رابطه با واژه‌های قضا و قدر اشاره خواهد شد.

### ۶-۱. بسامد واژه‌های قضا و قدر در قرآن

تعداد مشتقات گرفته شده از ریشه قضی در کلام الله مجید ۶۳ مورد در ۵۹ آیه یافت شد. تعداد مشتقات گرفته شده از ریشه قدر در کلام الله مجید ۱۳۲ مورد در ۱۲۱ آیه یافت شد.

جدول (۱): مشتقات واژه‌های قضا و قدر

القاصِيَه		قاضي	مَقْضِيَاً	لَيَقْضِيَنَّ	قُضِيَ	قَضَى	مشتقات واژه قضا
قَادِرٌ	قَدِرٌ	يَقْدِرُ	تَقْدِيرٌ	قَدْرِهِ	قَدِيرًا	قَدِيرٌ	مشتقات واژه قدر

جدول (۲): پراکندگی مشتقات واژه قضا در سوره‌های قرآن کریم

سوره	تعداد مورد	سوره	تعداد مورد
حج	۱	بقره	۳
نمل	۱	آل عمران	۱
قصص	۴	نسا	۲
احزاب	۴	انعام	۴
سبا	۱	انفال	۲

سوره	تعداد مورد	سوره	تعداد مورد
فاطر	۱	یونس	۶
زمر	۳	هود	۲
غافر	۴	یوسف	۲
فصلت	۲	ابراهیم	۱
شوری	۲	حجر	۱
زخرف	۱	مریم	۴
الجاثیه	۱	طه	۴
احقاف	۱	عبس	۱
جمعه	۱	اسرا	۲
الحاقه	۱		
۱۵ سوره	۲۸ مورد	۱۴ سوره	۳۷ مورد
مجموع	۶۳ مورد در ۲۹ آیه		

## ۶-۲. دسته‌بندی آیات

تحلیل دسته اول از آیات بر مبنای طرح‌واره توانمندی و کنار زدن مانع که از سری طرح‌واره‌های قدرت به حساب می‌آیند، صورت می‌گیرد. بر اساس طرح‌واره توانمندی، انسان تنها زمانی می‌تواند کنش<sup>۱</sup> یا کاری انجام دهد که توان<sup>۲</sup> انجام آن را داشته باشد و بر اساس طرح‌واره کنار زدن مانع یا غیاب مانع بالقوه انجام برخی امور تمام و کمال بدون برخورد با مانعی صورت می‌گیرد. بر این اساس خداوند که قادر مطلق است و توانایی انجام همه امور را دارد در صورتی که به امری اراده کند، آن امر بدون اینکه به مانعی برخورد کند انجام می‌گیرد. واژه «قدیر» نیز که از ریشه قدر گرفته شده در تمامی آیات مورد نظر به توانمندی خداوند اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، چیزی نیست که در برابر امر الهی مانع شود.

<sup>1</sup> action

<sup>2</sup> power

- مریم، آیه ۳۵: مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ [خدا را نسزد که فرزندی بگیرد. منزّه است او؛ چون کاری را اراده کند، همین قدر به آن می‌گوید: «موجود شو»، پس بی‌درنگ موجود می‌شود.]
- غافر، آیه ۶۸: هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ [اوست که زنده می‌کند و می‌میراند، پس هنگامی که قرار شد امری پدید آید، جز این نیست که به آن می‌گوید «موجود شو، پس بی‌درنگ موجود می‌شود».]
- البقره، آیه ۱۰۶: مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [هر حکمی را نسخ کنیم، یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم، بهتر از آن، یا مانندش را می‌آوریم؛ مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست؟]
- آل عمران، آیه ۱۸۹: وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خداوند بر هر چیزی تواناست.]

دومین نوع از طرح‌واره قدرتی آن است که در مسیر حرکت سدی پدید آید ولی بتوان آن را شکست و از آن رد شد. در برخی آیات به گذر از مانع اشاره شده و در برخی دیگر خداوند با ارائه راهکارهایی، انسان‌ها را به نیکی و حق دعوت کرده و پیمودن راه درست رستگاری در برخورد با مشکلات را به آنها نشان می‌دهد.

- قصص، آیه ۲۹: لَمَّا قَضَىٰ مُوسَىٰ الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ [هنگامی که موسی مدت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید! به خانواده‌اش گفت: «درنگ کنید که من آتشی دیدم! (می‌روم) شاید خبری از آن برای شما بیاورم، یا شعله‌ای از آتش تا با آن گرم شوید!»]

با توجه به داستان حضرت موسی او بنا بر قراردادی که گزارده بود می‌بایست ده سال را در منزل شعیب و در مدین سپری می‌کرد. این سال‌های شیرین و آرام‌بخش، سال‌های سازندگی و آمادگی برای یک ماموریت بزرگ بود. با توجه به تفسیر نمونه این طور برداشت می‌شود که حضرت موسی نمی‌خواهد تا آخر عمر به چوپانی بپردازد و یک ندای درونی او را تشویق به سفر می‌کند تا برود و

به بی‌عدالتی‌ها در مصر پایان دهد و به یاری قوم خود بشتابد و ظالمان را خوار کند و حق مظلومان را به یاری خدا بستاند. با توجه به این تفاسیر قرارداد ده ساله موسی را می‌توان به عنوان سدی در نظر گرفت که تازمانیکه به اتمام نرسیده نمی‌توانست به ندای درونی خود پاسخ دهد و به مصر برود. خداوند می‌فرماید پس از آنکه مدت خود را به پایان رساند به مصر رفت که در واقع نوعی گذشتن از مانع به حساب می‌رود.

- یونس، آیه ۴۷: وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [و هر امتی را پیامبری است. پس چون پیامبرشان بیاید، میانشان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود.]

در این آیه اگر ظلم و ستم به عده‌ای را به عنوان یک مشکل در نظر بگیریم خداوند با ارسال پیامبران و داوری به عدالت در بین آنها که به عنوان یکی از معانی واژه قضا نیز محسوب می‌شود راهکاری را در برخورد با این مشکل ارائه می‌دهد.

- الإسراء، آیه ۲۳: وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا [و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.]

در این آیه اگر سالخوردگی پدر و مادر را به عنوان مشکلی سر راه انسان‌ها در نظر بگیریم که بی‌احترامی و پرخاش به آنها در راه رستگاری انسان‌ها مانعی را بوجود می‌آورد. لذا خداوند راهکارهایی را در برخورد با این مشکل ارائه می‌دهد و می‌فرماید با سخن شایسته با آنها و پرخاش نکردن به آنها راه رستگاری را به آنها نشان می‌دهد.

تحلیل دسته دوم آیات بر اساس طرح‌واره حجمی صورت می‌گیرد. با توجه به یکی از معانی واژه قضا که از قاموس قرآن استخراج گردیده «قَضَى عَلَيْهِ» یعنی مرگ را بر او وارد کرد و او را کشت ظاهراً «قَضَى» در اینگونه موارد به معنی تمام کردن است یعنی موسی مشتبی بر او زد و کار او را تمام نمود. در این آیات با توجه به همراهی واژه «عَلَيْهِ» و همچنین با توجه به معنی واژه قضا که

به صورت وارد شدن مرگ بر او تعبیر شده، وارد شدن مرگ بر او را می‌توان طرح‌واره حجمی در نظر گرفت. نمونه‌هایی از این نوع طرح‌واره در زیر آورده شده است.

- القصص، آیه ۱۵: وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ [داخل شهر شد بی‌آنکه مردمش متوجه باشند. پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافت: یکی، از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود]. آن کس که از پیروانش بود، بر ضد کسی که دشمن وی بود، از او یاری خواست. پس موسی مشت‌باز و او را کشت. گفت: «این کار شیطان است، چرا که او دشمنی گمراه‌کننده [و آشکار است.]]»

- الرمز، آیه ۴۲: اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [خداوند روح انسان‌ها را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند، و نیز روح کسی را که نمرده است، به هنگام خواب قبض می‌کند پس آن روح را که مرگ را بر او مقدر کرده نگاه می‌دارد، و دیگری را تا سر آمدی معین باز می‌فرستد.]

یکی دیگر از معانی واژه قضا که نگارنده از قاموس قرآن و لغت‌نامه دهخدا استخراج کرده قضاوت و داوری است. با توجه به اینکه در اکثر آیه‌هایی که در آن واژه قضا به معنای داوری و قضاوت بکار رفته، این واژه با واژه «بَيْنَهُمْ» به معنای «بین آن‌ها» و «میان آن‌ها» به‌کار رفته است در نتیجه «قَضَى بَيْنَهُمْ» را می‌توان به عنوان طرح‌واره حجمی در نظر گرفت. انسان‌ها با توجه به تجربه قرار گرفتن در بین دو چیز یا قرار دادن چیزی در میان چیزهای دیگر، مفاهیمی انتزاعی مثل عدالت، داوری و قضاوت بین دو نفر، به راحتی برایشان قابل درک خواهد بود. به عبارتی قضاوت یا داوری به عنوان مفاهیم انتزاعی در بین دو یا چند شی‌فیزیکی (در اینجا شخص) درک می‌شود. به سخن دیگر قضاوت به حق، به عنوان پدیده انتزاعی در ظرف ما بین انسان‌ها قرار داده می‌شود. به نمونه‌هایی از این آیات در زیر اشاره می‌کنیم. به دلیل کثرت این آیات فقط به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم.

- یونس، آیه ۹۳: لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ

جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [به راستی ما فرزندان اسرائیل را در جایگاه‌های] نیکو منزل دادیم، و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم. پس به اختلاف پرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان حاصل شد. همانا پروردگار تو در روز قیامت در باره آنچه بر سر آن اختلاف می‌کردند میانشان داوری خواهد کرد.]

- النمل، آیه ۷۸: إِنَّ رَبَّكَ يُقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ [در حقیقت، پروردگار تو طبق حکم خود میان آنان داوری می‌کند، و اوست شکست‌ناپذیر دانا.]
- یونس، آیه ۵۴: لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [و اگر، برای هر کسی که ستم کرده است، آنچه در زمین است می‌بود، قطعاً آن را برای [خلاصی و] بازخريد خود می‌داد. و چون عذاب را ببینند پشیمانی خود را پنهان دارند، و میان آنان به عدالت داوری شود و بر ایشان ستم نرود.]

تحلیل دسته سوم از این آیات بر اساس طرح‌واره حرکتی انجام می‌گیرد. یکی دیگر از معانی واژه قضا که نگارنده از کتاب قاموس قرآن استخراج کرده به معنی اداء و تنفیذ است و تعدیه با «الی» برای افاده ایصال و رساندن است چنانکه در المنار گفته یعنی کارتان را جمع و محکم کنید سپس همان تصمیم و اراده را بر من برسانید (و مرا بکشید). در این آیات نیز با توجه به تعبیر «رساندن» از واژه قضا و بدلیل همراهی آن با واژه «الی» به معنی «به» یا «به سوی»، قضی الی را می‌توان نوعی طرح‌واره حرکتی به شمار آورد. مانند آیه زیر:

- یونس، آیه ۷۱: وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ [سرگذشت نوح را بر آنها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر تذکرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و غیر قابل تحمل) است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید.) من بر خدا توکل کرده‌ام! فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید؛ سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند؛ (تمام جوانب کارتان را



بنگرید) سپس آنرا بر من برسانید(به حیات من پایان دهید) و (لحظه‌ای) مهلتم ندهید!  
(اما توانایی ندارید!)

با توجه به گفته بالا و معنای «قضی الی» که مفهوم رساندن نیز از آن استخراج می‌گردد در آیه ۱۱۴ سوره طه نیز از آن به عنوان «رساندن وحی الهی»، تعبیر می‌شود و در این آیه نیز نوعی طرح‌واره حرکتی بکار گرفته شده است. به این آیه توجه کنید:

• طه، آیه ۱۱۴: فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا [پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای بر حق، و در [خواندن] قرآن، پیش از آنکه وحی آن (رسیدن وحی) بر تو پایان یابد، شتاب مکن، و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای.»]

### ۳-۶. تحلیلی از واژه قَدْر

بررسی معناشناسانه «قدر» نشان می‌دهد آن در اصل از «قَدْر» به معنای دیگ غذا گرفته شده است؛ چنان که در قرآن درباره حضرت سلیمان آمده است که او «قُدُورِ راسیات» یعنی دیگ‌هایی بزرگی داشت. چنین اظهار نظری مبتنی بر این دیدگاه است که الفاظ در اصل برای مفهومی حسی و جزئی و پیرامونی وضع شده‌اند و بعد به معانی غیرحسی و کلی به کار رفته‌اند.

این واژه عربی اصیل می‌باشد؛ چون هم منصرف است؛ یعنی هم کسره و اعراب می‌پذیرد و هم متصرف یعنی صرف می‌شود و مشتقات دارد. جمع «قَدِر» قدور است و «قدرت اللحم» یعنی گوشت را در قدر پختم و قدیر یا مقدور به چیزی که در قدر پخته می‌شد، می‌گفتند. قَدَار یعنی آشپز. به ذبحی که در قدر می‌پزند، نیز قَدَار گفته‌اند.

چنان فهمیده می‌شود که «قَدِر» به معنای دیگ غذا از معانی ضمنی چندی برخوردار است؛ به همین رو حسب مورد به معانی متفاوتی به کار رفته است. «قَدِر» به لحاظ این که ظرفی بوده و برای پیمانه گرفتن به کار می‌رفته، معنای اندازه‌گیری حجمی هم به خود گرفته است. بعد توسعه معنایی پیدا کرده و به معنای اندازه‌گیری زمانی هم استعمال شده است و بعد معنای عامی یافته و به اصطلاح مشترک معنوی شده و هر نوع اندازه‌گیری و تعیین مقدرات را هم شامل شده است. به اعتبار این که

دیگ غذا ظرف و پیمانه‌ای بوده و برای اندازه‌گیری اشیاء هم استفاده می‌شده است؛ نظیر کیل و وزن که به معنای توکیل و توزین هم به کار رفته است. «قَدْر» معانی ضمنی متعددی داشته و آن محملی شده است که بر اثر گذشت زمان و کثرت استعمال وجوه مختلفی از معانی پیدا کند. از جمله می‌توان به اندازه‌گیری حجمی، اندازه‌گیری طولی، اندازه‌گیری زمانی، اندازه‌گیری انسان، جهان، روزی، منزلت قدرت و سلطه پیدا کردن و تنگی تنگ گرفتن اشاره کرد.

در سورهٔ حجر یکی از بنیادی‌ترین استعاره‌های مفهومی قرآن آمده که در آن به اندازه‌گیری حجمی اشاره شده است:

• الحجر، آیه ۲۱: **وَإِنْ مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ** [و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم.]

این آیه تأثیر زیادی در فهم کل عالم و بطور کلی در جهان‌بینی اسلامی داشته است. از این نگاه، همهٔ موجودات و کل عالم مقداری مشخص دارند و بر اساس آن از خزانهٔ الهی نازل شده‌اند. این آیه در سیاق بیان مسئلهٔ رزق و نیز مسئلهٔ نزول باران آمده است. از اینرو برخی مفسران گمان برده‌اند که مراد از آیه همان مسئلهٔ رزق و باران است و خداوند می‌گوید که هم رزق آدمی و هم باران به اندازهٔ معین از خزانهٔ الهی نازل می‌شود در نتیجه معنای آیه را بسیار محدود گرفته‌اند. عبارت «وَإِنْ مِّن شَيْءٍ» در اول آیه بر کلیت دلالت دارد. از اینرو رابطهٔ آیه با سیاق رابطهٔ کلی با جزیی و مورد است. بدین بیان که آیهٔ اصلی کلی را بیان می‌کند که شامل مورد ذکر شده در سیاق (روزی و نزول باران) نیز می‌شود، ولی به آن محدود و منحصر نمی‌شود. این آیه بر این نکته دلالت دارد که همهٔ موجودات این عالم وجوداتی گسترده و غیرمحدود و بدون تقدیر (اندازه) مخزون نزد خداوند دارند. زیرا ظاهر آیه این است که تقدیر با تنزیل پیدا می‌شوند.

در تفسیر المیزان تحلیل جالبی از «قدر» آمده است. قدر کمیت و هندسه و اندازهٔ شیء است. به عبارت دیگر قدر چیزی-خصوصیات و خواص و آثار- است که علل وجود به معلولات خود می‌دهد. هر چیزی که تنزل پیدا می‌کند قدرش معین است و تا زمانی که قدرش معین نشده تنزل پیدا نمی‌کند و اگر هم نزول پیدا کند و وجودش ظاهر شود قبل از ایجادش معلوم بوده است و آیه

نکل شی عنده بمقدار» هم به این معنا برمی‌گردد. یعنی هر چیزی با مقدارش نزد خداوند معلوم است و آیه «قد جعل الله لكل شی قدرا» هم به همین معناست و نشان می‌دهد که هر چیزی قدری معین و معلوم دارد که از آن تجاوز نمی‌کند و بطور خلاصه قدر بر شی به حسب علم و مشیت تقدم دارد، هر چند که در وجودش مقارن و همراه آن است و از آن جدا نمی‌شود.

## ۷. نتیجه‌گیری

قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان و دربردارنده مفاهیم و آموزه‌های دینی و راه و رسم درست زیستن و رستگاری را به انسان‌ها نشان می‌دهد. خداوند در قرآن کریم برای فهم بهتر و آسان‌تر آیات الهی در قرآن از روش‌های متنوعی بهره‌جسته است. یکی از این روش‌ها تصویرسازی است که به مفاهیم روح‌بخشیده و باعث تأثیرگذاری بیشتر آنها می‌گردد. طرح‌واره‌های تصویری در معنی‌شناسی شناختی به سه نوع حجمی، حرکتی و قدرتی تقسیم شده که هر یک به نوعی به پدیده‌های مختلف روح و معنا بخشیده است و باعث می‌شود انسان‌ها برای فهم آیات تصویرهای متفاوتی در ذهن بسازند و بر اساس آنها آموزه‌های الهی را در زندگی بکار برند. طرح‌واره‌های تصویری به دلیل ساختار استعاری اندیشه انسان در قرآن کریم نمود بارزی دارد و در بسیاری از آیات الهی معنای مجرد و عقلی در قالب الگوها و مدل‌های استعاری ملموس و عینی که برگرفته از تجربه زندگی در جهان خارج است بیان گردیده است و حوزه‌های ذهنی و انتزاعی از رهگذر تشابه و تطبیق با حوزه‌های حسی و فیزیکی پردازش و ادراک می‌شوند. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی کاربرد طرح‌واره‌های تصویری جانسون در آیاتی که دارای مشتقات واژه‌های قضا و قدر هستند، پرداخته شد. پس از بررسی آیات مورد نظر دسته‌بندی‌هایی ارائه شد و نتایج تحقیق بیانگر این است که از میان طرح‌واره‌های تصویری حجمی، حرکتی و قدرتی، کاربرد طرح‌واره‌های قدرت در آیات مشتمل بر واژه‌های قضا و قدر از بسامد بالاتری برخوردار است. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کاربرد تنوع طرح‌واره‌ها در واژه قضا نسبت به واژه قدر بیشتر است و خداوند برای انتقال بهتر معانی متعدد و مفهوم واژه‌های قضا در قرآن از این ابزار بیشتر بهره‌جسته است.

## منابع

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵). *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*. چاپ پنجم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- روشن، بلقیس. (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات نشر علم.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۱). *نظریه معاصر استعاره، ضمن کتاب استعاره مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۲). «بحثی درباره طرح‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی». *نامه فرهنگستان*، ش. ۲۱، ص: ۸۵ - ۶۵.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۱). *درآمدی بر معناشناسی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی التفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج. پنجم.
- قرآن کریم.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۸۴). *قاموس قرآن*. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مقیاسی، حسن. (۱۳۹۵). «نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج البلاغه». *فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه*. س. چهارم، ش. ۱۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- Evans, V & M, Green. (2006). *An Introduction to Cognitive Linguistics*. Edinburgh University Press.
- Geeraerts, D. (1995). *Cognitive Linguistics: Handbook of Pragmatics*. Amsterdam: Benjamin Publisher Company.
- Johnson D. M. (1980). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Reason, and Imagination*. Chicago: University of Chicago press.
- Johnson D. M. & Ch. E. Erneling. (1997). *Cognitive Science*. Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor, A practical Introduction*. London: Oxford University Press.

- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: Chicago University Press.
- Lakoff, G. (1992). *Women, Fire, and Dangerous Things; What Categories Reveal about the Mind*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- Mandler, J. (2004). *The foundation of Mind: Origins of Conceptual Thought*. Oxford: Oxford University Press.
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics (2vols)*. Cambridge, MA: MIT Press.

<http://www.ghorany.com/quran.htm>